

هدویت از نگاه قرآن

استاد تاج آبادی

جلسه ششم - ۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادامه بررسی آیات ناظر بر وقایع خارق العاده تکوینی در عصر مهدوی

در ادامه بحث مهدویت از نگاه قرآن، نوبت به بررسی ویژگی‌های عصر نزول رسید. عرض شد ویژگی‌های عصر ظهور در دو حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد، یکی در حوزه جهان طبیعت و آن اتفاقات تکوینی که رخ می‌دهد و یکی در حوزه نظام انسانی و ایمان و باورها و دین مردم در عصر ظهور.

آیاتی در رابطه با قسمت اول مورد بررسی قرار گرفت. یک آیه دیگر در این قسمت باقی مانده تا بعد از آن به تحلیل وضع ایمان و دین مردم در عصر ظهور برسیم.

آیه ۱۵۸ انعام

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»

این آیه باز از آیات اجتماعی قرآن کریم است و مخاطب این آیه دشمنان و مخالفان اسلام و قرآن در طول تاریخ هستند. در ابتدای آیه می‌فرماید این دشمنان اسلام و قرآن انتظار چه چیزی را می‌کشند؟ آیا انتظار ورود ملائکه بر آن‌ها را می‌کشند؟ یعنی آیا انتظار می‌کشند که ما فرشتگان عذاب را بر آن‌ها نازل کنیم و آن‌ها را نابود کنیم؟ یا انتظار این را می‌کشند که پروردگار عالم بر آن‌ها وارد شود.

—مسأله ورود خداوند بر انسان‌ها در جلسه قبل مورد بررسی قرار گرفت که مقصود از آمدن و ورود خداوند که در این آیه و آیات دیگر مطرح است، ظهور مطلق و روشن اراده و اسماء حق تعالی است، ظهوری که در واقع هرگونه شک، تردید و عنادی را از بین می‌برد و انسان‌ها را مضطر و مجبور به ایمان آوردن می‌کند.

«أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» یا این که این دشمنان در انتظار آمدن برخی از آیات پروردگار تو هستند. در ادامه می‌فرماید بلکه برخی از آیات پروردگار می‌آید: «يَوْمَ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ». یک روزی بر این جهان خواهد آمد که در آن روز برخی از آیات خداوند—نه همه آیات خداوند— بر آنها نازل می‌شود.

در ادامه بیان می‌کند در آن زمان که برخی از آیات پروردگار نازل می‌شود «لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ» عده‌ایی می‌خواهند ایمان بیاورند و اظهار ایمان می‌کنند، اما ایمان آن‌ها پذیرفته نیست. در حقیقت

عده‌ایی توبه از عنادورزی و مخالفت و دشمنی با اسلام می‌کنند. قرآن می‌فرماید توبه آن‌ها در آن زمان پذیرفتنی نیست.

همچنین توبه کسانی که در قبل از ورود این آیات ایمان آورده اند اما در ایمانشان خیر نبوده است پذیرفته نمی‌شود.

مفسران در تفسیر این بخش آیه می‌فرمایند ایمانی که درش خیر نیست مراد ایمانی است که باعث صدور اعمال صادره نشود. اگر کسی ایمان داشته باشد ولی هیچ عمل صالح انجام ندهد و هر چه از او صادر شود اعمال ناپسند باشد. قرآن می‌فرماید چنین کسی ایمانش در روزی که آیات الهی می‌آید نفعی ندارد.

[مراد از «یوم» و مصداق آیات]

موضوع اصلی در آیه مراد از «یوم» و آن آیاتی است که نازل می‌شود.

مفسران گفته‌اند آن روزی که آن آیات نازل می‌شود مراد آیات تکوینی و اعجازی است. مراد آیات خارق العاده است. برخی گفته‌اند مراد در زمان رجعت و زمانی است که دابۀ الارض از زمین خارج می‌شود و با مردم سخن می‌گوید. برخی گفته‌اند زمانی است که خورشید از مغرب همراه با عذاب طلوع می‌کند. ما در روایات زیادی داریم که در آخر الزمان خورشید از مغرب طلوع می‌کند. منتهی این طلوع خورشید از مغرب همراه با عذاب و رنج است.

برخی از روایات ما مراد از «یوم» را روز ظهور وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گیرد. امام رضا علیه السلام در روایتی مراد از بعضی از آیات در این آیه را آیه منتظر که وجود مقدس حضرت حجت باشد معرفی می‌کنند. مراد از آن آیه ظهور امام عصر است. در ادامه امام می‌فرماید روزی که امام عصر ظهور میکند آن‌هایی که روز ظهور (یعنی زمانی که حضرت شمشیر می‌کشد) ایمان می‌آورند ایمانشان پذیرفته نمی‌شود. چون ظهور حضرت دو بخش دارد یک بخش دعوت است. بعد از دعوت شمشیر برای جهاد می‌کشند. در آن زمان دعوت ایمان آوردن انسان‌هایی که در اثر جهل و جهالت مخالفت با اسلام می‌کردند پذیرفته می‌شود اما ایمان آن‌هایی که از روی عناد و استکبار بوده است پذیرفته نمی‌شود.

امام رضا در ادامه می‌فرمایند حتی کسانی که قبل از ظهور حضرت به امامت ائمه علیهم السلام ایمان داشتند و شیعه بودند ولی به امام زمان علیه السلام و ظهور حضرت ایمان نداشتند. آن‌ها نیز اگر در زمان ظهور ایمان

بیاورند، ایمان آن‌ها قبول نمی‌شود. اگر به آباء و اجداد امام زمان هم ایمان داشته باشد ولی به وجود مقدس ایشان ایمان نداشته باشد، پذیرفتنی نیست.^۱

روایت دیگری از امام صادق باز با همین مضمون داریم. باز روایت دیگری داریم کمی اختلاف مضمون دارد ولی باز مفادش شبیه روایت امام رضا علیه السلام است.

[بررسی روایات مربوط به حوادث خارق العاده دوران ظهور]

در روایتی از امام صادق خطاب به ابابصیر این چنین آمده است:

«يَا بَابِصِيرَ طُوبَى لَشِيعَةَ قَائِمِنَا الْمُتَنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۲.

خوشا به حال شیعیان ما، آنانی که در دوران غیبت حضرت منتظر ظهور او هستند و در زمان ظهور از آن حضرت اطاعت می‌کنند. این‌ها اولیاء الهی هستند که هیچ حزن و خوفی در دل آن‌ها راه پیدا نمی‌کند.

پس مفاد این آیه این است که ظهور امام زمان علیه السلام که رخ می‌دهد در آن مرحله‌ای که قیام انجام می‌شود، آن زمان دیگر ایمان پذیرفتنی نیست. استغفار پذیرفتنی نیست به خاطر این که قیام حضرت همراه با افراد خارق العاده است، حوادث و قدرت‌های ماورائی و خارق العاده است. یعنی موقعی که حضرت شمشیر می‌کشند و اقدام به قیام می‌کنند، یک تحولاتی در نظام عالم رخ می‌دهد و مردم و معاندین و مستکبرین متوجه می‌شوند که با یک انسان عادی و یک جریان عادی روبرو نیستند و این قدرتی که این فرد و این جریان دارد، یک قدرت خارق العاده است، لذا از روی اجبار و اضطرار می‌خواهند ایمان بیاورند و چون ایمان اضطراری پذیرفتنی نیست. لذا ایمان این‌ها پذیرفتنی نیست. همچنان که اگر کسی در لحظه احتضار ایمان بیاورد ایمانش پذیرفته نیست. یعنی زمانی که پرده‌ها از چشم محتضر کنار می‌رود و عالم برزخ و عذاب برزخی را می‌بیند اگر آن موقع

^۱ الرضا (علیه السلام) - أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ فَقَالَ الْآيَاتُ هُمْ الْأَائِمَّةُ (عليهم السلام) وَ الْآيَةُ الْمُتَنْتَظِرُ هُوَ الْقَائِمُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَ إِنِ أَمَنْتَ بِمَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ آبَائِهِ. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۴، ص ۶۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۱؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۱۸؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۶)

^۲ تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۴، ص ۶۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

ایمان بیاورد، آن موقع پذیرفتنی نیست چون ایمان از روی اضطرار و اجبار است. اما ایمانی که از روی اضطرار نباشد پذیرفتنی است.

اگر قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و رفتار و سیره ایشان مثل سیره حضرات معصومین بود، حتی اگر کسی در میان جنگ و با شمشیر حضرت ایمان می آورد نیز باید ایمانش پذیرفته می شد. همچنان که در زمان امیر المؤمنین سلام الله علیه و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همین گونه بود. اگر کسی در میانه جنگ ایمان می آورد یا توبه می کرد، توبه اش پذیرفته بود.

اما سیره امام زمان علیه السلام متفاوت است. چرا که جنگ پیامبر و امیر المؤمنین سلام الله علیهما یک جنگ طبیعی بود و این بزرگواران بر اساس جریان طبیعت و علل و اسباب طبیعی می جنگیدند، نه با تکه بر علل فراطبیعی.

بنابراین از آنجا که جنگ آنها متفاوت بود، مبتنی بر علل و عوامل خارق العاده نبود، لذا اگر آن زمان جنگ برای کسی اضطرار ایجاد نمی کرد و در میانه جنگ ایمان می آورد حضرات ایمانش را می پذیرفتند.

در روایتی از امیر المؤمنین یا یکی از حضرات معصومین سلام الله علیه سوال می شود که چرا شما توبه و ایمان مشرکان را می پذیرفتید، اما امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این سیره را ندارد، توبه مخالفان و معاندین را نمی پذیرد. امام می فرماید به خاطر این که در زمان ما کافران و معاندینی بودند که در اصلااب آنها معاندینی بودند و در آینده از اصلااب اینها مؤمنانی متولد می شدند و چون خداوند متعال مقدر کرده است همه مؤمنانی که مقدر شده است یا به عرصه وجود عالم دنیا بگذارند، متولد شوند، لذا ما مجبور بودیم توبه آنها را بپذیریم تا در جریان طبیعی همه مؤمنانی که در ازل مقدر شده است متولد شوند، متولد شوند.^۳ اما امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصری زندگی می کند که دیگر مؤمنی در صلب کافری وجود ندارد و همه مؤمنانی که باید می آمدند، آمده اند. و همه کافرانی که باید می آمدند آمده اند و این جا دیگر زمان پذیرش ایمان نیست.

دلیل دیگر این است که وجود مقدس پیامبر اکرم هدفشان این بود که یک اسلام ظاهری و یک اسلامی که وسعت جغرافیایی دارد را در قدم اول ایجاد کنند و یک جامعه گسترده را ایجاد کنند، هر چند در این جامعه منافق هست، مریض القلب هست، یهودی هست، نصرانی هست و غیره هست، اما رسالت امام عصر این است

^۳ ر.ک: بحار الانوار [ط-مؤسسه الوفاء]، ج ۲۹، ص ۴۳۵ تا ۴۳۷، ح ۲۲ تا ۲۶.

که یک جامعه کاملاً سالم و ایمانی ایجاد بکند. در جامعه‌ایی که کاملاً سالم باشد نباید کافر یا منافق وجود داشته باشد. لذا پیامبر اکرم ایمان منافقانه را می‌پذیرفت، اگر کسی از روی نفاق ایمان می‌آورد مثل عبد الله بن ابی و اصحابش. حضرت می‌پذیرفت و منافقین را به عنوان مسلمان قبول می‌کرد اما عصر فقط ایمان‌های حقیقی را می‌پذیرد، یعنی در آن مرحله اول که دعوت می‌کنند و عده‌ایی ایمان می‌آورند اگر کسی ایمانش منافقانه باشد، حضرت نمی‌پذیرد و او را جزء کافران و معاندان به حساب می‌آورد و او مهدور الدم است.

یعنی حضرت با نگاه باطنی و بصیرتی که دارد اگر کسی ایمان حقیقی پیدا کرده باشد می‌پذیرد، ایمان منافقانه را نمی‌پذیرد، ایمانی که هنگام قیام خارق العاده حضرت است، چون از روی اضطراب است، آن‌ها را نمی‌پذیرد. ما روایاتی در این زمینه داریم که روایات گذشته را تأیید می‌کند.

به عنوان مثال امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید کار امام قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف جزء با شمشیر صورت نمی‌گیرد و حضرت هیچ‌کس را دعوت به توبه نمی‌کند.^۴ پیامبر مرتب و مکرر امثال اباسفیان و ابوجهل را دعوت به توبه می‌کرد. امیر المؤمنین و سید الشهداء و دیگر معصومین مکرر دعوت به توبه می‌کردند ولی امام عصر دعوت به توبه ندارد. وقتی قیام آغاز شود نه دیگر دعوت به توبه می‌کند و نه توبه کسی را می‌پذیرد به خاطر همان علتی که عرض شد.

در روایتی امیر المؤمنین سلام الله علیه می‌فرماید که خداوند متعال دنیا را به آخر نمی‌رساند، مگر این‌که قائم ما قیام کند، او دشمنان را می‌کشد و جزیه نمی‌پذیرد. صلیب و بت‌ها را در هم می‌شکند.^۵ یعنی در عصر ظهور جامعه یهودی و نصرانی نداریم.

^۴ عن ابی بصیر قال : قال أبو جعفر علیه السلام: يقوم القائم بأمر جدید ، و کتاب جدید ، و قضاء جدید علی العرب شدید ، لیس شأنه إلا بالسيف لا یستتیب أحدا ولا یأخذه فی الله لومه لائم . (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، ص ۱۱۴).

^۵ عَنْ مَكْحُولٍ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ لَهُ مَنَقَبُهُ إِلَّا وَ قَدْ شَرِكْتُهُ فِيهَا وَ فَضَلْتُهُ، وَ لِي سَبْعُونَ مَنَقَبَهُ لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ . قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَخْبِرْنِي بِهِنَّ . فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ... وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ وَ الْخَمْسُونَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَنْ يَذْهَبَ بِالْدُنْيَا حَتَّى يَقُومَ مَنَا الْقَائِمُ (عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ) يَقْتُلُ مُبْغِضِينَ وَ لَا يَقْبَلُ الْجِزْيَةَ، وَ يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَ الْأَصْنَامَ، وَ تَضَعُ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا، وَ يَدْعُو إِلَى أَخْذِ الْمَالِ فَيَقْسِمُهُ بِالسَّوِيَّةِ، وَ يَعْدِلُ فِي الرِّعِيَّةِ (بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۴۴۳)

روایت دیگری از امام باقر سلام الله علیه داریم که مغایر با روایت قبلی است. در این روایت می‌فرماید زمانی که امام عصر ظهور می‌کند حضرت ایمان را بر همه دشمنان عرضه می‌کند، هر کسی پذیرفت و در آن داخل شد، در امان است، و الا گردن زده می‌شود. و از یهود و نصاری جزیه می‌پذیرد.

در روایت قبلی داشت کسی را دعوت به توبه نمی‌کند. در این روایت فرمود دعوت به توبه می‌کنند. همانگونه که برخی از بزرگان گفته‌اند جمع بین این دو دست روایات این است که ظهور حضرت دو بخش دارد. بخش اول که ابتدای ظهور است که هنوز آن نیروها و قدرت‌های خارق العاده هنوز ظهور پیدا نکرده‌اند. به طور معمول هست. آن‌جا دعوت می‌کند که اگر کسی ایمان بیاورد می‌پذیرد. در آن مرحله ایمان یهود و نصاری را می‌پذیرد اما در مرحله بعد که جنگ می‌شود و دشمنان از بین می‌روند همه باید ایمان بیاورند. دیگر کسی از اهل کتاب یا کفار نمی‌تواند بگوید ما اجتماع و هویت دینی خودمان را حفظ می‌کنیم و جزیه می‌دهیم. در آن مرحله آخر از ظهور حضرت حتی جزیه را از اهل کتاب نمی‌پذیرند.

باز روایات دیگری داریم که این روایات دلالت دارند که حرکت امام عصر، و قیام ایشان یک حرکت و قیام عادی نیست، روایتی از امام کاظم علیه السلام است. حضرت می‌فرماید زمانی که حضرت ظهور می‌کنند گنج‌های زمین برای حضرت آشکار می‌شود، هر امر غیر ممکن را با نیروی خارق العاده ممکن می‌کند و هر دوری را نزدیک می‌کند.^۶

باز تفاوت دیگری که حضرت با دیگر حضرات معصومین دارد این است که آن بزرگواران باید با نیروی طبیعی خود می‌جنگیدند و از نیروهای فراطبیعی همچون ملائکه و قدرت‌های غیبی نباید بهره می‌برند. اما در زمان ظهور به این گونه نیست.

باز در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده که حتی درختان نیز حضرت را یاری می‌کنند. سنگ‌ها هم حضرت را یاری می‌کنند، اگر کافری پشت سنگی، در درون غاری یا گودالی پنهان شده باشد، آن قطعه از زمین یا سنگ فریاد می‌زند کافری در این جا هست به گونه‌ایی که مؤمنین فریاد او را می‌شنوند و سراغ آن کافر می‌روند.^۷

^۶ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۴.

^۷ ر.ک: المهدی الموعود المنتظر، ج ۲، ص ۲۲۱.

یک روایت از سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا نقل شده است^۸ که هنگامی که حضرت آخرین صحبت‌هایی خود با اصحابشان را بیان می‌کنند، ایشان سخنی از عصر ظهور به میان می‌آورند. می‌فرمایند بله ما امروز جنگی را شروع می‌کنیم و به شهادت می‌رسیم ولی ای اصحاب من بدانید که زمانه این‌گونه ادامه پیدا می‌کند. عصری می‌آید که یکی از فرزندان من ظهور می‌کند، در آن عصر آسمان و زمین برکت‌ها و نیروهای خودشان را در اختیار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گذارد و نعمت‌های فراوانی در اختیار مؤمنین و جامعه اسلامی قرار داده می‌شود. برکات آسمان‌ها و زمین را نازل می‌کنند بعد سید الشهداء این آیه را برای اصحاب خود خواندند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

سید الشهداء می‌فرماید بله در آن عصر مردمان ایمان حقیقی به امام عصر می‌آورند و تقوا پیشه می‌کنند و خداوند متعال برکات آسمان و زمین را برای حضرت و یارانشان فرو می‌ریزد. درهای خزان‌های آسمان و زمین گشوده می‌شود. معنای این آیه این است که تا قبل از ظهور آنچه که از نعمت و برکت آسمان و زمین در اختیار انسان قرار می‌گردد، بسیار محدود است. اقل و قلیلی از برکات زمین را انسان‌ها می‌توانند کشف بکنند و بهرمنند شوند. اما برکات آسمان و زمین به طور کامل و جامل اختصاص به عصر ظهور دارد.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام هست که امام می‌فرماید که زمانی که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور پیدا می‌کند. یک سال در زمان حضرت برابر با ۱۰ سال خواهد بود. ابوبصیر به امام عرض می‌کند فدایت شوم چطور ممکن است در عصر ظهور یک سال برابر با ۱۰ سال باشد؟ از لحاظ علم و عقل این چگونه ممکن است.

امام صادق فرمود: همان خدایی که الان به گون‌هایی تنظیم کرده که یک سال به اندازه یک سال باشد او به فلک فرمان می‌دهد که آرام تر حرکت بکند. چون زمین آرام تر حرکت می‌کند لذا روزها و سال‌ها طولانی تر می‌شود. ابابصیر می‌گوید برخی می‌گویند اگر در فلک و چرخش آن کمترین تغییری ایجاد شود همه چیز از بین می‌رود. امام می‌فرماید: این اعتقاد بی‌دین‌ها است ولی مسلمانان چنین چیزی نمی‌گویند. مراد از بی‌دین‌ها کسانی است که به قدرت خارق العاده حضرت و قدرت خدا ایمان ندارند و فکر می‌کنند دست خدا بسته است. اگر جریان

^۸ ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱ تا ۶۳، ح ۵۲.

افلاک به گونه‌ای قرار داده است که مثلاً این مقدار زمان بشود یک سال. انگار خداوند نمی تواند این قانون را تغییر بدهد و زمان را طولانی تر بکند. آن‌ها قدرت مطلقه خدا را قبول ندارند.

بعد امام به لبابصیر می گوید خداوندی که کره ماه را برای پیامبر اکرم دو نیمه کرد، اما هیچ اثری در موجودات کره زمین و دیگر افلاک نگذاشت و خدایی که خورشید را برای یوشع بن نون برگرداند، و هیچ تغییری در کره زمین و افلاک ایجاد نشد، خدایی که در روز قیامت را آنقدر طولانی می کند که ۱۰۰۰ سال دنیوی شود، همان خدا می تواند در روز ظهور حضرت تغییری در نظام طبیعت بدهد که یک سال به اندازه ۱۰ سال طول بکشد.^۹

باز در روایت دیگری از امام صادق^{۱۰} علیه السلام داریم که حضرت می فرمایند وقتی حضرت ظهور می کنند زمین به نور پروردگارش می درخشد و مردم از پرتو خورشید بی نیاز می شوند. بعد حضرت اشاره می کند به آیه «وَ أَسْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^{۱۱}

این آیه در باره اوصاف روز قیامت است. قرآن کریم می فرماید در روز قیامت با نور پروردگار و نور مؤمنان روش می شود. در سوره حدید داریم، در سوره های دیگر هم داریم چرا که در آستانه قیامت خورشید و دیگر ستارگان نابود می شوند. زمین نیز متلاشی می شود. بنابراین زمینی نیست، خورشیدی نیست که زمین محشر را نورانی می کند. در روز قیامت بی نیاز از نور خورشید است و هر کسی با نور خودش و نور پروردگار روشنایی دارد و از آن استفاده می کند.

امام صادق علیه السلام این روایت را آورده اند و می گویند در عصر ظهور هم به همین گونه است.

ما یک قاعده کلی را در جلسه قبل بیان کردیم که حضرات معصومین عمده ویژگی هایی که برای روز قیامت هست و در قرآن آمده، حضرات فرموده اند آن ویژگی های سه مصداق دارد:

۱- مصداق اتمّ اش در روز قیامت است.

۲- مصداق نازل ترش در زمان رجعت است.

^۹ بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۹۲.

^{۱۰} ر.ک: تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۳، ص ۳۱۴ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰/ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

^{۱۱} زمر: ۶۹.

۳- و نازلین مصداق هم در عصر ظهور اتفاق می افتد

این روایت می خواهد بگوید یکی از کارهای خارق العاده و حوادث خارق العاده ای که رخ می دهد این است که بشر لزوماً محتاج خورشید نباشد. می شود به صورت مقطعی خورشید آن فعالیت خود را نداشته باشد ولی حیات و نور بر روی زمین به طور خارق العاده وجود داشته باشد.

البته این روایت تفسیر دیگری نیز می تواند داشته باشد و آن این است که بگویید معنای کنایی نور مراد است. یعنی نور عدالت و قسط در عصر ظهور کره زمین را فرا می گیرد، نه این که نور مادی و نور خورشید نباشد.

در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام داریم که اولین کسی که بیعت می کند با حضرت و دست حضرت را می بوسد فرشتگان هستند. بعد جنیان ایمان می آورند و دست حضرت را می بوسند و بعد برگزیدگان بشر که تعداد و ویژگی هایشان را عرض می کنیم. بعد امام صادق فرمود در آن عصر هیچ انسانی نیست مگر این که صدای حضرت را مستقیماً می شنود بدون این وسائل ارتباط جمعی که الآن وجود دارد. یعنی به عنوان یکی از اوامر خارق العاده و امام عصر این اتفاق رخ می دهد.

روایت دیگری داریم که وقتی حضرت ظهور می کند. ۱۰۰۰۰ انسان دور حضرت را گرفته و بیعت می کنند که در سمت راست جبرئیل و در سمت چپ میکائیل است. یعنی در عصر ظهور، جبرئیل و میکائیل هم حضور داشته و مستقیماً فعالیت می کنند.

باز در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام داریم که می فرماید من اصحاب امام عصر را می بینم که شرق و غرب عالم را پر کرده اند، هیچ چیز در عالم پیدا نمی شود در آن زمان مگر اینکه در خدمت امام عصر است. حتی پرندگان وحشی هم به قیام حضرت کمک و یاری می رسانند.

امام باقر علیه السلام می فرماید همه موجودات که در روز زمین هستند، افزون بر انسان ها و حیوانات و حتی اشیاء می خواهند یک حرکتی بکنند و درباره قیام خدمتی بکنند. شادمان هستند. قطعه های از زمین که حضرت یا یارانشان بر آن قدم گذاشته اند افتخار می کنند بر قطعه های دیگر زمین و به آن ها می گویند امروز مردی از یاران امام عصر بر روی ما قدم گذاشت و از روی ما عبور کرد.

باز روایت دیگری داریم که یاران حضرت طی الارض و طی الهواء دارند و امثال آن.

در روایتی داریم که یاران حضرت بینایی و بصیرت فراطبیعی دارند، در مغرب هستند، مشرق را می بینند، در مشرق هستند، مغرب را می بینند.

[نکات مستخرج از آیات و روایات این بخش]

روایات از این بخش بسیار است اگر بخواهیم این بخش از آیات و روایات را که ناظر به حوادث خارق العاده عصر ظهور بود، جمع بندی بکنیم، به چند نکته می رسیم:

(۱) نبوت پیامبران گذشته و امامت حضرات معصومین با تکیه بر شرایط طبیعی بوده است. یعنی موظف و مکلف بودند که صرفاً از اسباب و علل طبیعی استفاده بکنند و علل و اسباب فراطبیعی را بکار بگیرند. تنها موردی که پیامبران اذن داشتند آنجا بود که با معجزه می خواستند اصل نبوت خود را ثابت کنند یا کرامت و لطفی در حق مؤمنان انجام می دادند. غیر از این مورد دیگر این تکلیف را نداشتند که در جنگ‌ها یا ایجاد جامعه سالم از نیروهای فراطبیعی استفاده بکنند. علتش هم این است که عصر غیبت تا آغاز خلقت حضرت آدم، عصر ابتلا و امتحان نیست. اما عصر ظهور دیگر عصر ابتلا نیست. مرحله اول ابتلا و امتحان‌های ویژه هست. به همین خاطر در عصر حضرت از همه علل و اسباب فراطبیعی و طبیعی استفاده می کنند برای آن که آن جامعه آرمانی در جهان مقرر بکنند.

(۲) نکته دیگری که از آیات و روایات استفاده می شد این است که آن عذاب‌هایی که خداوند در عصر غیبت و دوران پیامبران گذشته بر امت‌های معاند پیامبران نازل می کرد، آن عذاب‌ها در آن مرحله قیام و اقدام عملی در مخالفان و معاندان رخ می دهد بیان شد یکی از این عذاب‌ها مسخ است، همچنان که بنی اسرائیل مسخ شدند به صورت بوزینه و خوک، در عصر ظهور هم عده‌ایی مسخ شدند. همچنان که با سنگ‌های آسمانی عده‌ایی از امت پیامبران عذاب شدند؛ عده‌ایی از معاندین حضرت هم با سنگ‌های آسمانی عذاب می شوند. همانطور که عده‌ایی از معاندین پیامبران زمین آن‌ها را بلعید، و در خود فرو برد، در عصر ظهور برای عده‌ایی از معاندین این عذاب برای آن‌ها هم رخ می دهد.

این جمع بندی است که از این آیات و روایات می توان داشت.

[۲- بررسی ویژگی‌های جامعه اسلامی در عصر ظهور]

عرض شد ویژگی‌های عصر ظهور را در دو بخش باید بررسی بکنیم یک بخش بازگشت به جهان طبیعت و نظام تکوین داشت و بخش دوم بازگشت به وضعیت و ویژگی‌های ایمانی و دین مردم در عصر ظهور. در این مرحله بنده ۲ آیه را انتخاب کردم که مورد بررسی قرار بدهیم، بعد روایاتی را انتخاب کردیم که ان شاء الله مطرح خواهیم کرد.

آیه ۵۴ مائده

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

این آیه به جامعه اسلامی هشدار می‌دهد. این که می‌گوییم مخاطب قرآن جامعه اسلامی است، منظور جامعه عصر نزول نیست. جامعه اسلامی یعنی از عصر نزول تا روز قیامت.

این آیه در سال آخر بعث پیامبر نازل شده است، بلکه در ماه‌های آخر عمر مبارک پیامبر اکرم نازل شده است، چون سوره مائده آن‌طور که مفسران اهل تسنن و شیعه گفته‌اند در چند ماه آخر عمر حضرت و در جریان حج الوداع نازل شد. این آیه مؤمنان را هشدار می‌دهد. ای جامعه اسلامی، ای جامعه‌ایی که چند ماه بیشتر پیامبر اسلام در میان شما نخواهد بود، شما مرتد می‌شوید اما بدانید موقعی که دچار ارتداد می‌شوید، خداوند قوم دیگری را می‌آورد. یک جامعه دیگری می‌سازد که آن جامعه ۶ ویژگی دارد که شما آن ۶ ویژگی را ندارید.

پس اولین نکته این آیه این است که جامعه اسلامی دچار ارتداد می‌شود، بعد که دچار ارتداد شد، خداوند یک جامعه صالح آرمانی را محقق می‌کند.

دو نوع ارتداد وجود دارد؛ یکی ارتداد شرعی و فقهی و دیگری ارتداد باطنی و درونی داریم. ارتداد شرعی و فقهی یعنی یک نفر بگوید من دیگر مسلمان نیستم، خدا و پیامبر و یا رسالت او را قبول ندارم، این می‌شود مرتد شرعی. مرتد باطنی کسی است که چنین ادعایی نمی‌کند بلکه می‌گوید من اصول و فروع دین را قبول دارم اما در باطن مرتد شده است. یعنی از روح دین، از فلسفه دین، از اخلاق دین، از معنویات دین، از فلسفه شرایع

فاصله گرفته است. آداب و رسوم و اخلاق و افکارش دینی نیست بلکه غیر دینی است. کافرانه است و متمایل به جبهه‌های دیگر است. به این ارتداد باطنی می‌گویند.

از منظر دیگر ما یک ارتداد فردی داریم و یک ارتداد اجتماعی. افراد ممکن است به هر دو ارتداد مبتلا شوند، هم به ارتداد شرعی مبتلا شود و هم ارتداد باطنی. اما جامعه هیچ‌گاه دچار ارتداد شرعی و فقهی نمی‌شود. امکان ندارد جامعه اسلامی و همه مسلمانان روی زمین بگویند ما اسلام را قبول نداریم. اما جامعه اسلامی دچار باطنی و معنوی می‌شود. این آیه ناظر به ارتداد معنوی و باطنی جامعه اسلامی می‌شود. می‌گوید شما دچار ارتداد باطنی و معنوی می‌شوید.

نشانه‌های ارتداد باطنی و معنوی چیست. چه جامعه اسلامی را ما جامعه ارتداد زده می‌دانیم، رجوع کننده به عصر جاهلیت می‌داند قرآن؟ آن جامعه‌ایی که این ۶ ویژگی که بیان خواهد شد نداشته باشد. به بیان دیگر این ۶ ویژگی هم بیان شاخصه‌ای آرمانی خداوند متعال است و هم به لحاظ مفهوم مخالف بیانگر ویژگی جامعه اسلامی ارتداد زده و بازگشت‌کننده به عصر جاهلی است.

حال این ۶ ویژگی چیست؟

۱- «يُحِبُّهُمْ»

من جامعه اسلامی می‌سازم که خداوند آن‌ها را دوست دارد. ضمیر فاعلی به خداوند و ضمیر مفعولی به افراد جامعه بر می‌گردد. خداوند افراد این جامعه را دوست دارد. ذاتشان را دوست دارد نه صرف اعمالشان. چرا که می‌گوید «يُحِبُّهُمْ» نفرومود یحب اعمالهم یا افکارهم.

برای این‌که بفهمیم افراد یان جامعه آرمانی چه ذاتی دارند که ذاتشان محبوب خداوند شده است باید دو دسته از آیات را به اجمال بررسی قرار دهیم:

۱- دسته اول آیاتی که بیان می‌کند خداوند ذات چه کسانی را دوست دارد.

➤ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^{۱۲}

^{۱۲} بقره: ۱۹۵.

- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»^{۱۳}
- «يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^{۱۴}
- «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^{۱۵}
- «اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^{۱۶}
- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^{۱۷}
- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^{۱۸}

۲- دسته دوم آیاتی که باین میکند خداوند ذات چه کسانی را دوست ندارد.

- «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»^{۱۹}
- «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^{۲۰}
- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»^{۲۱}
- «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^{۲۲}
- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»^{۲۳}
- «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^{۲۴}

^{۱۳} بقره: ۲۲۲.

^{۱۴} همان.

^{۱۵} آل عمران: ۷۶.

^{۱۶} آل عمران: ۱۴۶.

^{۱۷} آل عمران: ۱۵۹.

^{۱۸} حجرات: ۹.

^{۱۹} بقره: ۲۷۶.

^{۲۰} آل عمران: ۵۷.

^{۲۱} لقمان: ۱۸.

^{۲۲} اعراف: ۵۵.

^{۲۳} قصص: ۷۷.

^{۲۴} اعراف: ۳۱.

➤ «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ»^{۲۵}

➤ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ»^{۲۶}

این دو دسته از آیات که کنار هم قرار بگیرد، می شود مفسر جمله «يُحِبُّهُمْ». یان جامعه ایمانی که خداوند ذاتشان را دوست دارد چه ویژگی دارند؟ اهل توبه هستند یعنی اساسا گناه نمی کنند و یا اگر گناه کردند بلافاصله توبه می کنند. اهل تقوا هستند، صابر هستند، اهل توکل هستند، اهل قسط و عدالت هستند، اهل ظلم نیستند، خودشیفته و مغرور نیستند، فخر فروش نیستند. اهل خیانت کردن نیستند، اهل فساد و اسراف نیستند. اسراف و تبذیر ندارند. استکبار در برابر حق ندارند، حق اگر برایشان عرضه شد می پذیرند. اگر تا به امروز به الف عقیده داشت، به محض این که روشن شد الف باطل و عقیده باء صحیح است، می پذیرند، و اهل سرور و فرح های غافلانه و مغرورانه نیستند که آنها را از خدا و وظائف دینی شان باز بدارد. پس جامعه آرمانی چینی ویژگی هایی دارد و چینی جامعه ای را قرآن وعده به تحققش در آینده می دهد.

۲- «يُحِبُّونَهُ»

افراد این جامعه هم خدا را دوست دارند. قرآن هنگامی که می گوید افراد این جامعه خدا را دوست دارند یعنی محبتشان را تأیید می کند، یعنی این افراد خدا را دوست دارند و ما هم محبتشان را قبول داریم. چرا که در بسیاری از اوقات برخی احساس می کنند که محبت دارند و ولایت دارند، اما در عالم واقع این گونه نیست و خداوند آن محبت و ولایت را قبول نمی کند. خداوند چه محبتی را تأیید میکند؟ نشلنه ایی که خداوند متعال محبت این جامعه یا فرد را به خودش پذیرفته است، چیست؟

می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۲۷} ای پیامبر به امت بگو در طول تاریخ تا روز قیامت اگر ادعای خدا دوستی دارند، باید تبعیت محض از تو داشته باشند، باید افکارشان منطبق بر افکار تو باشد، اهداف و آرزوهایشان منطبق بر اهداف و آرزوهای تو باشد. اخلاق و رفتار و سیره عملی شان باید پیرو تو باشد، تو کاملا اسوه و مقتدای آنها باشی، در اندیشه، در عواطف، در اخلاق و در

^{۲۵} نحل: ۲۳.

^{۲۶} قصص: ۷۶.

^{۲۷} آل عمران: ۳۱.

اعمال. اگر خدا را دوست دارند باید چنین تبعیت محض و مطلق داشته باشند. اگر این گونه شدند، «يُحِبُّكُمْ اللَّهُ» خداوند متعال هم آن‌ها را دوست دارد. این‌ها محبوب خداوند متعال هم می‌شوند.

پس اولین و دومین ویژگی جامعه عصر ظهور این است که خدا ذاتشان را دوست دارد با آن اوصاف و توصیفاتی که عرض شد و آن‌ها هم خدا را دوست دارند با این شاخصه. یعنی قرآن کریم می‌فرماید در آن جامعه آرمانی عموم افراد آن، -کاری با استثنائات نداریم، ممکن است در این جامعه استثنائاتی نیز باشد- تبعیت مطلق از پیامبر اکرم دارند. چرا که خداوند می‌فرماید خدا را دوست دارند و ما هم محبتشان را تأیید می‌کنیم با توجه به آیه سوره آل عمران معنایش این است که این افراد این جامعه چون در افکار و اهداف و روش و اخلاق و عمل تبعیت از سیره پیامبر اکرم می‌کنند، تبعیت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف میکنند که همان سیره پیامبر است این نشانه آن است که خدا را دوست دارند. یعنی محور زندگی و قطب زندگی خود را رضایت و محبت خدا قرار داده‌اند، مهم‌ترین چیز برای آن‌ها این است که چگونه فکر بکنند تا خدا از من راضی باشد، چگونه بیاندیشم تا خدا از من راضی باشم. چه حالات و اهدافی داشته باشم تا مرضی خداوند باشد. کدام آرزوها مرضی خداست تا من همان را داشته باشم. کدما رفتار مرضی خداست؟ یعنی مهمترین دغدغه‌شان محبت خدا و رضایت خداوند و تبعیت از سیره وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.